

Spiritual Dimensions of Family in Islamic Teachings

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

Authors
Mohammad Hassan Saneipour^{1*}

How to cite this article

Mohammad Hassan Saneipour, Spiritual Dimensions of Family in Islamic Teachings, *Journal of Islamic Life Style Centeredon Health*, 2023:7(1): 208-215.

1. Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Kashan University, Kashan, Iran (Corresponding Author).

* Correspondence:
Address:
Phone:
Email: saneipur@kashanu.ac.ir

Article History
Received: 2021/09/21
Accepted: 2022/11/05

ABSTRACT

Purpose: This research, with an analytical-descriptive approach, examines the position of the family in religious propositions and Quranic-narrative teachings in order to discover and extract the spiritual dimensions governing social groupings, focusing on the family unit.

Materials and methods: To collect the required information, the materials and data of the library and the reliable and first-hand sources and books of the religion of Islam with emphasis on the verses and traditions have been used. The present article seeks to analyze religious texts (Qur'anic and narrative statements) with a semantic approach and text mining, and to study the concept of family in the context of Islamic life and sociology of Islam.

Findings: The family has a specific definition, function and application in sociology. In a religious approach to this concept, Islam finds a spiritual- unseen use in accordance with the mission of the Prophet and a new and different identity is formed for the family. So, the Quranic keyword "ummah" finds a sociological representation and the concept of "faithful family" dominates other relations of religious society; The rule that before in the Jahili society was in the hands of blood, lineage, relatives and tribe, and in the emerging prophetic society (Madinah al-Nabi) faith-hereafter relations become the focus of the formation of the concept of family and other social interactions of Islam. Therefore, in the family identified in Islamic propositions, at different levels of society, the bond between members of the society is formed in the form of religious brotherhood and inter-family faith relations; Relationships that go beyond this world and find spiritual and afterlife reflection.

Conclusion: Therefore, family finds a spiritual- unseen function in Quranic teachings and Islamic lifestyle; a function that is less visible in today's family studies.

Keywords: Family, Style of Islamic Life, Spirituality, metaphysics Faithful Society (Umma), Fatherhood, Brotherhood.

مقدمه

خانواده به عنوان یک واحد اجتماعی مهم و کلیدی از دیرباز مورد مطالعه اندیشمندان علوم جامعه شناسی، علوم اجتماعی، انسان شناسی، قوم شناسی و غیره بوده است که هر یک از آنها به تناسب مباحث و حوزه علمی خود به تعریف مفهوم خانواده و تبیین ساختار و کارکرد آن پرداخته اند. به عنوان مثال برخی خانواده را به «گروهی از افراد که روابط آنان با یکدیگر بر اساس هم خونی شکل می گیرد و نسبت به هم خویشاوند محسوب می شوند» و یا «گروهی از افراد که از راه خون، زناشویی و یا فرزند پذیری با یکدیگر ارتباط می یابند و طی یک دوره زمانی نامشخص، باهم زندگی می کنند» (۱) و یا «گروهی از افراد که با ارتباطات خویشاوندی از طریق ازدواج و یا از طریق تبار که خویشاوندان خونی (مادران، پدران، فرزندان دیگر، پدربزرگها و غیره) پیوند یافته اند (۲) و غیر آن تعریف کردند. تنوع تعاریف و اختلاف بین آنها در کتب مرتبط با علوم اجتماعی به حدی است که برخی ارائه یک تعریف جامع و مانع از خانواده را ممکن نمی دانند و از آن پرهیز می کنند (۳) و یا تا حدود زیادی محتاطانه وارد عمل می شوند. (۴)

لازم به تذکر است مقاله حاضر نه تنها در پی ارزیابی این تعاریف و یا پیجویی دیگر تعاریف موجود درباره خانواده نیست، بلکه خارج از روش پژوهشی و مطالعاتی حاکم بر علوم اجتماعی و جامعه شناسی تلاش می کند تا با رویکردی معناشناختی به تحلیل متون قرآنی و اسلامی بپردازد و در پس محتوای نهفته در چنین آموزه هایی تعریف و تبیینی دینی از مفهوم خانواده ارائه دهد. لذا در این مقاله در پی بازتعریف اصول اولیه حاکم بر مفهوم خانواده و مبانی نظری آن مطابق با جهان بینی قرآنی و اسلامی هستیم تا نتایج حاصل از آن راهگشای دیگر مطالعات بین رشته ای علوم امروزی و حوزه دین اسلام باشد.

۱- کاربرد دینی- معنوی مفهوم خانواده

در تعریف جامعه شناختی، از یک طرف خانواده یک گروه خویشاوندی است که برپایه پیوند خونی و یا ازدواج شکل می گیرد (۶) و از طرف دیگر رابطه خویشاوندی صرفاً به روابط زیستی و بیولوژی منحصر نمی شود، بلکه بر اساس ارتباطات اجتماعی و قوانین شرعی و عرفی تعریف و تبیین می یابد و بسته به فرهنگهای مختلف تفاوت پیدا می کند. (۷) بر این اساس در فرهنگ اسلامی آموزه های قرآنی و اسلامی روابطی فراتر از روابط خویشاوندی نسبی و سببی را برای شکلدهی به جامعه دینی مطرح می کنند که بهره گیری این متون از واژگان و اصطلاحات خانوادگی همچون «پدر»، «برادر» و غیره ما را بر آن داشت تا بر مبنای تحلیل معناشناختی و همنشینی واژگانی ساختار مفهومی خانواده را مطابق با این آموزه ها استخراج کنیم.

از ابتدای شکلگیری دعوت پیامبر و تشکیل جامعه اسلامی پیامبر به انحاء مختلف تلاش می کند تا پایه های نادرست و غلط حاکم بر سبک زندگی جاهلیت پیش از قرآن را متلاشی سازد و زندگی صحیح جدید را مطابق با آموزه های قرآنی و وحیانی بنا نهد؛ جامعه ای که از آن به جامعه ایمانی می توان یاد کرد و تاثیر بسزایی بر

محمد حسن صانعی پور^۱
دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران
(نویسنده مسؤل).

چکیده

هدف: این پژوهش با رویکرد تحلیلی - توصیفی به بررسی جایگاه خانواده در گزاره های دینی و آموزه های قرآنی - روایی به منظور کشف و استخراج ابعاد معنوی حاکم بر گروه بندیهای اجتماعی با تمرکز بر واحد خانواده می پردازد.

مواد و روش ها: برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز از مواد و داده های کتابخانه و از منابع و کتابهای معتبر و دست اول دین مبین اسلام با تاکید بر آیات و روایات بهره گیری گرفته شده است. مقاله حاضر در پی آن است تا با رویکردی معناشناختی و متن کاوی به تحلیل متون دینی (گزاره های قرآنی و روایی) بپردازد و مفهوم خانواده را در سب زندگی اسلامی و جامعه شناسی دین اسلام مطالعه کند .

یافته ها: خانواده در علم جامعه شناسی تعریف، کارکرد و کاربرد مشخص دارد که اسلام در یک رویکرد دینی بدین مفهوم، کاربری معنوی-غیبی مطابق با رسالت پیامبر می یابد و هویتی جدید و متفاوت برای خانواده شکل می گیرد. در این بین کلیدواژه قرآنی «امت»، باز نمود جامعه شناختی می یابد و مفهوم «خانواده ایمانی» بر دیگر روابط جامعه دینی سیطره می یابد؛ سیطره ای که پیش از آن در جامعه جاهلی در اختیار خون، نسب، خویشاوند و قبیله بود و در جامعه نوظهور نبوی (مدینه النبی) روابط ایمانی- اخروی محور شکلگیری مفهوم خانواده و دیگر تعاملات اجتماعی اسلام می شود. لذا در خانواده هویت یافته در گزاره های اسلامی، در سطوح مختلف جامعه، پیوند بین افراد جامعه در قالب برادری دینی و روابط بین خانوادگی ایمانی شکل می گیرد؛ روابطی که از بعد دنیایی می گذرد و بازتاب معنوی و آخرتی می یابد .

نتیجه گیری: براین اساس خانواده در آموزه های قرآنی و سبک زندگی اسلامی کارکرد معنوی- غیبی می یابد؛ کارکردی که کمتر در مطالعات امروزی خانواده قابل مشاهده است.

کلیدواژگان: خانواده، سبک زندگی اسلامی، معنویت، امت، پدری، برادری.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۱۴

* نویسنده مسؤل: saneipur@kashanu.ac.ir

ایمانی به حدی می رسد که فرد به عنوان عضوی از یک «خانواده ایمانی» (من بعد خانواده) علیه روابط جامعه جاهلی و پیوندهای خونی اعم از خویشاوندان و حتی پدران، برادران و دیگر روابط خانوادگی و خونی خود جهه می گیرد و علیه آنها دست به شمشیر می برد و با آنها می جنگد؛ اتفاقی که در جنگ صفین بر زبان امیر مؤمنان اینچنین جاری می شود «وَلَقَدْ كُنَّا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ص نَقْتُلُ آبَاءَنَا وَ أَبْنَاءَنَا وَ إِخْوَانَنَا وَ أَعْمَامَنَا مَا يَزِيدُنَا ذَلِكَ إِلَّا إِيمَانًا وَ تَسْلِيمًا (۱۰)» و حاضر است که به خاطر پیوندهای ایمانی علیه آنان مبارزه و جهاد کند و حتی به مرگ نزدیکترین افراد نسی و خونی خود راضی شود؛ اتفاقی که بارها در جنگ برای امیرالمؤمنین تکرار شد بر این اساس مفهوم خانواده در آموزه های قرآنی و روایی در چارچوب اجتماعی «امت» شکل می گیرد و افراد جامعه دینی بر مبنای اصول اخلاقی- اجتماعی جدیدی روابط فی ما بین خود را تعریف و تبیین می کنند که در بخش بعد بدان می پردازیم.

۳- از جامعه ایمانی تا خانواده معنوی
واژه «امت» واژگان کلیدی در رویکرد قرآنی به جوامع انسانی و گردهمایی و همزیستی اجتماعی انسانهاست. این مفردۀ محوری قابل توجه در گفتن قرآنی دارد به نحوی که تشکیل جامعه دینی و - در نوع آرمانی آن- جامعه ایمانی در چنین بستری قابلیت شکلگیری دارد. به عبارت دیگر از میان واژگان و مفاهیم اجتماعی گوناگون موجود در قرآن و کریم، واژه «امت» یکی از کلیدی ترین مفرداتی است که در فرهنگ و گفتن قرآنی جایگاه ویژه دارد و به لحاظ مفهومی به اصطلاحات امروزی «جامعه» نزدیکی دارد که در نشان دادن سیمای جامعه دینی مسلمانان نسبت به دیگر واژگان گویاتر است.

در بین فرهنگ لغتهای عربی- قرآنی واژه امت از ریشه «أم م» با معنای محوری و ابتدایی «قصده و آهنگ» است و در معانی گوناگونی همچون؛ یک نسل از خلق و مردم، گروه هم کیش و متحد در دین، صنف حیوانات، جماعت، طریق، زمان و یا معانی انتزاعی تری همچون؛ شریعت، دین، راه روشن است که در پیوند اضافی با یک پیامبر همچون؛ «أمة محمد» صلی الله علیه و آله و سلم و یا «أمة إبراهیم» علیه السلام به معنای پیروان و اتباع آن پیامبر است؛ چه پیروانی که در زمان آن پیامبر می زیستند و چه مؤمنانی که پس از آن پیامبر پیرو دین وی بوده اند همگی در ذیل امت آن پیامبر قرار می گیرند. لذا امت به اجتماع و گردهمایی انسانی تعلق می گیرد که به دلیلی خاص از جمله دین واحد، دعوتی واحد و یا در زمانی واحد و در سرزمینی واحد زندگی کنند. (۱۱)

البته کاربری واژه «امت» در «صحیفۀ المدینة» برای پیروان دین یهود و نصاری حاضر در مدینه در کنار کاربری آن برای مسلمانان اولیه در صدر اسلام نشان از آن دارد که واژه «امت» برای تمام ساکنان اولیه مدینه اعم از تازه مسلمان و یهودیان و مسیحیان کاربرد داشته است و اختصاص و محدودیت این واژه به جامعه دینی صرفاً

دیگر شیعی به وفور یافت می شود و تکرار آن در کتب روایی شیعه مثال زندی است.

تغییر ساختاری بنیاد خانواده در جامعه زمان نزول قرآن و عصر پیامبر اسلام گذاشت. به عنوان مثال در جامعه جاهلی پیش از قرآن روابط خویشاوندی از جایگاه والایی برخوردار بود به نحوی که اینگونه روابط اجتماعی ناقض همه قوانین اخلاقی و عرفی می شود و فرد با تکیه بر رابطه خویشاوندی حق دیگران را به نفع خویشاوند و خانواده خود زیر پا می گذاشت و حقوق قوم و خویشاوندان همیشه بر حقوق دیگران اولویت و ارجحیت داشت و در حین تعارضات حقوقی اولویت صددرصدی با خویشان و افراد قبیله است. بر همین اساس پیامبر عظیم الشان اسلام در اولین گام تلاش می کند تا چنین بنای اجتماعی که نقش بسزایی در فرآیندهای و فعالیت های اجتماعی اعراب و عربهای آن عصر دارد را تخریب سازد و بنیاد و شالوده های اجتماعی جدیدی مطابق با آموزه های وحیانی و قرآنی بنا سازد. از همین روست که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خود و امیرالمؤمنین علیه السلام را پدران امت اسلامی می نامند و می فرمایند «أَنَا وَ أَنْتَ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ». (۸) که بکارگیری اصطلاح جامعه شناختی «پدر» به عنوان سرشاخه روابط خانوادگی و خویشاوندی و اتصال آن به روابط دینی و نبوتی که هر دو در راستای رسالت پیامبر است خود نشان از حمله پیامبر به سرچشمه ارتباطات بین فردی جامعه عرب جاهلی است و ایجاد ارتباط پدری بین افراد جامعه آنها خارج از روابط خونی و نسبی نشان از شکلگیری جامعه ای نوپا و جدید است که می توان از آن به جامعه ایمانی و دینی یاد نمود. در این روایت نبوی سنگ بنای نهایی این جامعه در تعبیر «امت» است می توان آن را از محوری ترین و کلیدی ترین واژگان جامعه شناختی جامعه ایمانی دانست که در ادامه به تبیین معناشناختی آن می پردازیم تا فهم بهتری از جامعه ایمانی و تقابل آن با جامعه جاهلی عرب پیش از اسلام به دست آید.

۲- ساختار اجتماعی خانواده در آموزه های اسلامی
پیامبر در روایت «أَنَا وَ أَنْتَ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ» اقدام به ترسیم اولیه خانواده ایمانی با الگوگیری از ساختار اجتماعی جامعه جاهلی می کند و خود و جانشین خود یعنی امیرالمؤمنین علی علیه السلام را در راس هرم جامعه جدید قرار می دهد؛ به نحوی که دیگر روابط اجتماعی گرد این محور خویشاوندی و خانوادگی می چرخد و تعیین جایگاه می شود. در گام بعدی قرآن عزیز و کلام الهی با آیه شریفه «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ» (۹) بستر روابط اجتماعی افراد را برپایه «اخوت» و برادری می نهد؛ برادری که مبنای آن خون و پدر نسبی نیست بلکه دین و رابطه ایمانی است که جای خون را می گیرد و در این خانواده پدر خونی و نسبی نیز جای خود را به پدر ایمانی می دهد.

لذا در جامعه ایمانی روابط انسانی نه در بستر خانواده و قبیله بلکه در بستر دینداری و دینمداری و در قالب اصطلاح دینی «امت» شکل می گیرد؛ امتی که پیامبر و امام پدر آن هستند و مؤمنان و خداگرایان همگی برادر یکدیگرند و این رابطه و پیوند اجتماع

۱. حدیث مذکور از پرسامدترین روایات نبوی است که در بسیاری از منابع روایی شیعی متقدمین از جمله کتب متعدد شیخ صدوق (م ۳۸۱ق) و بسیاری منابع

امت واحده با عقیده های دینی و ایمانی مشترک می شود. (۱۹) با جایگزینی واژه «امت» بجای واژگان جاهلی جامعه عربی نیازمند مفهوم دیگری به مختصات هدایت و در نتیجه راهبر، رهبر و امام می شود؛ بدین معنا که اشتراکات خونی، نژادی، خاکی و یا حتی سرزمینی بین اعراب که مبنای تجمع و گردهمایی آنان و در نتیجه باعث اشتراک مقاصد و آرمانهای آنان است، کنار گذاشته می شود و حرکت مشترک و آگاهانه مردم در مسیر معین و با رهبری مشترک اساسی ترین عامل وحدت و پیوند اجتماعی اعراب می شود. (۲۰)

ایزوتسو بر این باور است که واژه «امت» واژه ای دال بر هر چیزی که معنای فرهنگ و جامعه اسلامی را داراست؛ واژه ای که شکلگیری تاریخ اسلام بستگی تام و تمام بدان دارد و جایگزین واژه «قبیله» در ادبیات جزیره عربستان شده است و این در حالی است که واژه قبیله اشاره به اصل سازمان اجتماعی و سیاسی قبل از قرآن دارد. اساس پیوند و ارتباط در سبک زندگی قبیله‌گی خون و خویشاوندی نسبی است که همه افراد و اعضای یک قبیله را گرد هم می آورد و هویت اجتماعی و گردهم بودن را بین آنها تزیق می کند. در این گفتمان است که قرآن اندیشه ای تازه با عنوان «امت» را مطرح و بست می دهد تا مبنای دیگری را محور وحدت و یکپارچگی اجتماع عرب قرار دهد. (۲۱) لذا جامعه عرب را از اتکای بر روابط خویشاوندی و خونی رها می سازد و وحدت اجتماعی آنها را بر تفکر و اعتقادات مشترک و از جنس مقولات دینی و ایمانی بنا می سازد.

قرآن، در چنین بستر اجتماعی و فضای زیست محیطی است که، مفهوم و محتوای خانواده ایمانی (من بعد خانواده) تاسیس می کند و سبک جدید از زندگی را پیش روی مخاطبان عرب خود قرار می دهد. با این اوصاف ترکیب «أمة المؤمنین» جایگزین مناسب برای ترسیم جامعه شناسی قرآنی- اسلامی است که در آن افراد جامعه در قالب روابط ایمانی به یکدیگر پیوند خویشاوندی می یابند؛ این پیوند اگرچه از نوع خونی، نسبی و یا سببی نیست ولی برآمده از کاربری واژگانی همچون «پدر»، «برادر» و غیره در آموزه های قرآنی است که اشاره به خوشاوند بودن دو سر پیوستگی دارد، که در بخش بعدی ساختار مفهومی خانواده را در متون قرآنی و اسلامی مطالعه می کنیم.

۴- ساختارهای زمینی (دنیایی)- آسمانی (معنوی) خانواده

در خانواده ایمانی و پس از شکلگیری صحیح و حقیقی روابط بین انسانها، خداوند متعال به پیامبر دستور می دهد تا این روابط به شکل اتم و اکمل خود فزونی یابد و چنین روابطی را در قالب اعمال عبادی و در مرتبه ای پس از ایمان به خداوند متعال بگنجاند تا اندازه ای بدان اهمیت دهد که افراد جامعه ایمانی پس از ایجاد رابطه ایمانی با قادر متعال به روابط ایمانی بین خود گرایش یابند. لذا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ التَّوَدُّ إِلَى النَّاسِ» (۲۲) در پی آن هستند تا افراد جامعه رابطه زمینی- آسمانی خود با خالق هستی را در بعد زمینی و بشری خود تسری دهند و رابطه مؤمنانه خود را در بین افراد جامعه بسط و توسعه

مسلمانان، نیازمند گذر زمان و متعلق به گفتمانهای پسینی جامعه اسلامی بوده است. (۱۲) نمونه هایی از کاربری قرآنی واژه «امت» نیز هستند که کاربری غیر مسلمانی دارد؛ مثلاً در آیه شریفه «لَيْسُوا سَوَاءً مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ أَنْاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ» (۱۳) مفردة «امت» در کنار واژگان «اهل کتاب» قرار گرفته است که نشان از کاربری این واژه برای گروههای دینی اعم از مسلمان، یهودی و غیرهم است.

مستشرقان در بازیابی معنای واژه «امت» بر دخیل بودن این واژه در قرآن و غیر عربی بودن آن تاکید دارند که البته در بازیابی اصل این واژه دچار تشتت آراء شدند و اصل آن را اُکدی، عبری یا آرامی و سریانی و برخی وام گرفته از زبان سومری می دانند و معنای آن را در این زبانها «گروه مردم» و مترادف با واژگان «قوم، قبیله، و نژاد» می دانند. (۱۴) نکته قابل توجه اینکه مستشرقین در تبیین معنای واژه «امت» به جنبه جامعه شناختی این واژه پرداخته اند و امت را به عنوان ساختار اصلی سیاسی- اجتماعی مسلمانان می دانند و اینکه جامعه متشکل از افرادی است که بر مبنای دین و شریعت گردهم آمده اند و موجودیت اجتماعی یافته اند. (۱۵)

آنچنانکه از تاریخ عرب و تاریخ زندگی اجتماعی جزیره العرب قبل از ظهور اسلام بر می آید؛ عامل ایجاد جامعه و تشکلهای گروهی و ارتباطات بین افراد جامعه اعراب جاهلی پیش از اسلام، پیوندهای نسبی، خونی و خویشاوندی است که در معانی واژگانی همچون؛ عشیره، قبیله، حی، قوم و غیر از آن گنجانده و نهفته شده است، به نحوی که در گفتمان قرآنی این واژگان بیان کننده «سازمان اجتماعی» عربهای مخاطب عصر نزول قرآن است و کاربری قرآنی واژه «امت» در حالی است که این واژه در میان عربهای پیش از قرآن هیچ جایگاه مفهومی جامعه شناختی ندارد و چنین معنایی برای آن قابل تصور نیست و بیشتر در معنای «کیش، آیین و دین» به کار می رفت؛ معنایی که در برخی آیات قرآنی برای مفردة «امت» قابل بازیابی است و به نحوی که چنین معنا و مفهومی در فرهنگ لغتهای عمومی عربی و تخصصی قرآنی نیز وجود دارد. به عنوان نمونه این منظور نیز بدان اشاره دارد و برای واژه «امت» معادل شریعت و دین را قرار می دهد. (۱۶) موضوعی که راغب اصفهانی در مفردات خود قائل به ترادف معنایی بین دو مفردة «أمة» و «دین» نیست در تبیین معنای «امت» به جنبه جامعه شناختی این واژه اشاره دارد و هر جماعتی که بر امری مشترک اعم از دین، زمان و مکان گردهم اجتماع کردند را امت می نامد. (۱۷)

بر این اساس می توان چنین گفت که معنایی فرهنگ لغتهای عمومی زبان عربی برای این واژه خالی از رویکرد جامعه شناختی است و اینگونه منابع از کشف و بیان معنای جامعه شناختی این واژه بازمانده اند. این در حالی است که فرهنگ لغتهای قرآنی با توجه به کاربری قرآنی واژه «امت» جنبه جامعه شناختی این واژه را دریافته اند و در کتب خود منعکس نموده اند. (۱۸)

احساس رابطه و پیوند اجتماعی و خویشاوندی در نزد عرب جاهلی، احساس تعلق فرد به قبیله اش بود که فرد را متعلق به یک خانواده بزرگتر با دغدغه ها، اهداف و آرمانهای مشترک می کرد. این مقوله در یک گشتاورد نامحسوس در آموزه های قرآنی تبدیل به یک

مرتبط می سازد و با عبارت «اسْتَكْبَرُوا مِنَ الْإِخْوَانِ فَإِنَّ لِكُلِّ مُؤْمِنٍ شَفَاعَةً» (۲۸) مؤمنان را به زیاد کردن برادران مؤمن خود و گسترده سازی خانواده ایمانی دعوت می کند؛ چراکه برای هر مؤمن در روز قیامت حق شفاعت وجود دارد و لذا با زیاد شدن برادران ایمانی دنیوی احتمال شفاعت در قیامت افزون می گردد.

با توجه بدین روایت می توان یکی از کارکردهای جدی و اساسی برادر در خانواده ایمانی را در مفهوم «شفاعت» یافت؛ مفهومی که علی رغم صبغه و رنگ دینی، در این روایت بعد جامعه شناسی می باد و جلوه غیبی دیگری را در روابط اجتماعی بین افراد ایجاد می کند. در همین راستا است که دوزخیان در روز قیامت خود را از این رابطه محروم می دانند و بر نداشتن شفاعت کنندگان و دوستان ایمانی افسوس می خورند که «فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ» (۲۹) در این آیه شریفه همنشینی شفاعت و «دوستی» در جایگاه فواصل آیات دلیل بر این مدعاست.

در تفسیر روایی این آیه از روایت جابر بن عبدالله انصاری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یاد می شود که شخص در بهشت است و می گوید: «دوست من چه می کند؟» در حالی که دوست او در جهنم سکنا گزیده است. پس خداوند پیرو سوال آن فرد بهشتی دستور می دهد که دوست او را از جهنم خارج کنند و به سوی دوست بهشتی می روانه سازند و در این حال است که الباقی دوزخیان و جهنمیان می گویند «فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ» (۳۰)

۲. خانواده، یاوران/دشمنان آخرتی: از جمله موارد دیگری که در گزاره های اسلامی مقوله «برادری» در خانواده ایمانی با مقولات غیبی و آخرتی ارتباط می یابد، روایتی است که در آن امیرالمؤمنین به مخاطبان خود تاکید می کند که برادران خود را دریابید «عَلَيْكُمْ بِالْإِخْوَانِ فَإِنَّهُمْ عِدَّةٌ لِلدُّنْيَا وَعِدَّةٌ لِلْآخِرَةِ» (۳۱) و در برادری با آنان کوشا باشید چراکه برادران شما تنها در دنیا دوستان و یاوران شما نیستند بلکه این رابطه برادری تا جهان آخرت امتداد می یابد.

به عبارت دیگر در خانواده ایمانی و در سبک زندگی اسلامی روابط آخرتی بین افراد در امتداد روابط دنیایی و بشری آنها ترسیم می شود و اعضای خانواده باید بدانند که رابطه های کنونی و دنیایی در مرحله بعدی زندگانی فارق از پرده ها و پوششهای دنیایی ادامه می یابد و صورتهای نهان آن آشکار می شود. چنین پرده گشایی ها و آشکارسازیهایی است که برخی از دوستیهای دنیایی در آخرت گسسته می شود و به رابطه دشمنانه تبدیل می شود؛ رابطه ای که در آیه شریفه «الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ» (۳۲) بدان تصریح شده که در روز قیامت دوستان دشمن یکدیگر می شوند و در این بین روابط دوستی حاکم بین «تقواییشان» و متقین استثنا شده است.

این رابطه خصمانه در بعد آخرتی به حدی می رسد که دوزخیان با عبارت «يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا» (۳۳) از چنین رابطه دنیایی غیرمؤمنانه خود با افراد جامعه گلایه می کنند و بر خود لعن و نفرین می فرستند. در ادبیات حاکم بر تفاسیر، نمونه اتم و اکمل واژه قرآنی «فلان» در این آیه، شیطان است که به تعبیر امروزین به عنوان پروتوتایپ روابط ناصحیح در جامعه ایمانی شناخته می شود و به عنوان شاخص و معیار برای ارتباط و پیوند غیرمؤمنانه از آن

دهند و مقدمات شکلگیری خانواده ایمانی را فراهم سازند. و یا در تعبیری دیگر از پیامبر «رَأْسُ الْعَقْلِ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ التَّوَدُّدُ إِلَى النَّاسِ» (۲۳) مهربانی و رابطه محبتی با دیگر افراد جامعه مبنایی ایمانی- عقلی پیدا می کند که می توان از آن به بلوغ اجتماع ایمانی یاد کرد. در خانواده ایمانی رابطه مهربانانه و محبتی بین مؤمنان جامعه آنچنان اهمیتی می یابد که در بیان امیرالمؤمنین «أَنْبَلُ مَا تُسْتَدْرُ بِهِ الرَّحْمَةُ أَنْ تُضْمَرَ لِجَمِيعِ النَّاسِ الرَّحْمَةُ» (۲۴) به عنوان رساترین ابزار برای جلب نظر لطف و رحمت الهی معرفی می شود. به عبارت دیگر این رابطه زمینی- زمینی بین افراد خانواده تاثیرگذار بر رابطه زمینی- آسمانی بین فرد و خدای خود می شود و باعث بهبودی و ثمربخشی این رابطه خواهد شد. در این بیان است که روابط زمینی بین انسانی با روابط عرشی بین انسان و الله پیوند لازم و ملزومی پیدا می کنند؛ پیوند عرشی که در بیان حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام «إِنَّ أَهْلَ الْأَرْضِ لَمَرْحُومُونَ مَا تَحَابُّوا وَأَدَّوْا الْأَمَانَةَ وَعَمِلُوا بِالْحَقِّ» (۲۵) بعد زمینی آن توسعه بیشتری پیدا می کند و ابعاد اجتماعی بیشتری می یابد.

۵- ابعاد معنوی- غیبی روابط خانواده ایمانی در سبک زندگی اسلامی

رسول اکرم صلی الله علیه و آله به عنوان نظریه پرداز محوری خانواده ایمانی و در راس شکل دهی بدین مفهوم به تبیین روابط اجتماعی مومنان و ترسیم جامعه ایمانی می پردازند و با حذف روابط ناسالم خویشاوندی و قبیلهگی، برادری و دوستی را محور ارتباطات اجتماعی در خانواده ایمانی می دانند و می فرمایند «وَدُّ الْمُؤْمِنِينَ لِلْمُؤْمِنِينَ فِي اللَّهِ مِنْ أَعْظَمِ شُعَبِ الْإِيمَانِ». (۲۶) لازم به تذکر است، با عبارت «فِي اللَّهِ» شاهدیم که روابط اجتماعی اسلام در یک مثلث قابل ترسیم است و در رابطه فرد با فرد در جامعه ضلع سوم با عنوان «الله» افزوده می شود که نمایانگر ابعاد غیبی و آسمانی روابط اجتماعی و بشری است که در تعبیر آیه شریفه «هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ» (۲۷) دانای به عالم غیب و شهادت است و پیامبر خود را از این عوالم مطلع آگاه می کند تا برای مردمان عصر خود بیان کند.

چنین رابطه سه گانه ای- که سنگ بنای آن در خانواده ایمانی توسط پیامبر اسلام تبیین و نهادینه می شود- اساس تفاوت و تمایز ارتباط بین فردی جامعه شناسی قرآن و جاهلی است. در جامعه جاهلی رابطه بین افراد دو طرفه و دوسویه است و جایگاهی برای ضلع سوم آن یعنی «الله» وجود ندارد و فرد منافع و مضرات اجتماعی را در بین خود و فرد مقابل می بیند. اما در یک جامعه ایمانی فرد علاوه بر رابطه خود با فرد مقابل ضلع سوم را نیز در نظر می گیرد و آن خداوند متعال است؛ ضلعی که در تعابیر رهبران دینی با اتصال به الله و دیگر مفاهیم غیبی همچون؛ یوم القیامة، شفاعت، الآخرة و ... تبیین می شود که در ادامه به برخی از این روایات اشاره می شود.

۱. خانواده و شفاعت کردن در قیامت: در تعریف خانواده در آموزه های اسلامی علاوه بر حضور پر رنگ خداوند در روابط اجتماعی بین افراد، برخی مولفه های غیبی دیگر نیز به چشم می خورد. پیامبر در روایتی دیگر ارتباط اجتماعی دنیا را با ارتباطات اجتماعی آخرت

در بیانی دیگر تاثیرپذیری اجتماعی به حدی اهمیت می یابد که از آن تعبیر به دین می شود. پیامبر اکرم صلی الله و علیه و آله در عبارت «لَا تَصْحَبُوا أَهْلَ الْبِدْعِ وَلَا تُجَالِسُوهُمْ» (۴۱) پس از منع از همنشینی و مجالست با اهل بدعت در دین، تلاش می کند تا نگاه دیگران نسبت چنین همنشینی و مجالست را تبیین نماید و لذا می فرماید: «فَتَصَيِّرُوا عِنْدَ النَّاسِ كَوَاحِدٍ مِنْهُمْ» بنابر این در نگاه مردم فردی از آنها می شوی چراکه «الْمَرْءُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ، فَلْيَنْظُرْ أَحَدَكُمْ مَنْ يُخَالِلُ» (۴۲) هر فردی بر دین و مدار دوستانش است و در بازشناسی اخلاق و اعتقادات افراد جامعه می توان به دوستان و همنشینان وی نگریست. در توصیه امام محمد باقر علیه السلام خطاب به فرزند بزرگوارشان امام جعفر صادق علیه السلام آمده است که «يَا بَنِيَّ مَنْ يَصْحَبُ صَاحِبَ السُّوءِ لَا يَسْلَمُ» (۴۳) معاشرتها و همنشینی های اجتماعی بر افراد تاثیر دارد و در جامعه نیکی و بدبها را به یکدیگر منتقل می کند و در بیان منسوب به امیر مؤمنان «لَا تَصْحَبِ الشَّرِيرَ فَإِنَّ طَبْعَكَ يَسْرِقُ مِنْ طَبْعِهِ وَأَنْتَ لَا تَدْرِي» (۴۴) اشاره به نامحسوس بودن این انتقال و سرایت دارد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز جامعه ایمانی عصر حضرت عیسی علیه السلام را نیز چنین ترسیم می کند «قَالَتْ الْحَوَارِيُّونَ لِعِيسَى يَا رُوحَ اللَّهِ مَنْ نُجَالِسُ» که حواریون از حضرت عیسی پرسیدند که با چه کسانی معاشرت و همنشینی کنند و حضرت عیسی در پاسخ با عبارت «مَنْ يُذَكِّرُكُمْ اللَّهَ رُؤْيَتَهُ وَ يَزِيدُ فِي عِلْمِكُمْ مَنْطِقَهُ وَ يَرْغَبُكُمْ فِي الْآخِرَةِ عَمَلَهُ» (۴۶) توصیه می کند که با کسی همنشین شوید که دیدنش شما را به یاد خدا اندازد، بیان و گفتار شما بر علم شما بیافزاید و اعمال شما را به آخرت ترغیب کند. به عبارت دیگر حضرت عملاً زیربنای خانواده ایمانی را سه مقوله خدامحوری، علم مداری و آخرتگرایی قرار می دهد که در سه بستر دیدارها، گفتگوها و رفتارهای اعضای خانواده ایمانی تبلور می یابد.

نتیجه گیری

۱. خانواده به عنوان یک واحد اجتماعی مهم و کلیدی در جامعه نوظهور پیامبر اسلام و مدینه النبی با پیوند معنوی و دینی در رأس امور و روابط اجتماعی قرار می گیرد و پیامبر اسلام با بهره گیری از این مفهوم روابط حام بر سبک زندگی اسلامی را تبیین می کند. ایشان در یک مواجهه جدی نظام قبیلگی جاهلی را کنار زده و خانواده ایمانی را بهترین جایگزین برای آن معرفی می کند. در جامعه جاهلی روابط فی ما بین افراد بر محور قبیلگی و خویشاوندی، یعنی محور خون و نسب قرار دارد که از جهات مختلف مورد پذیرش آموزه های وحیانی و قرآنی پیامبر نیست. لذا دستورات و فرامین پیامبر الهی آنچنان چپش یافت تا نظام اجتماعی جاهلی از هم پاشیده شود و نظامی مطابق با رسالت جدید جایگزین آن شود؛ جامعه ای که اساس آن بر «خانواده معنوی» و «امت اسلامی» بنا شده است.

یاد می شود و در تعبیری دیگر از آن به «عدو» نامبرده شده است. (۳۴)

۳. خانواده و مانعیت عذاب الهی: در روایات متعدد برادری های مؤمنانه دنیایی باعث بهره مندی فرد در آخرت می شود به نحوی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با روایت «أَكْثَرُوا مِنَ الْإِخْوَانِ فَإِنَّ رَبَّكُمْ حَيٌّ كَرِيمٌ يَسْتَحْيِي أَنْ يَعْذَبَ عَبْدَهُ بَيْنَ إِخْوَانِهِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ» (۳۵) اعضای خانواده ایمانی را به افزایش برادری توصیه و پند می دهند تا در آخرت دستگیر آنان در برابر عذاب الهی باشد. به عبارتی رابطه برادری مؤمنان در دنیا بر روابط آخرتی خدا و انسان از یک طرف و انسانهای مؤمن از طرف دیگر تاثیر و اثر دارد و جامعه آخرتی را متاثر از خود می سازد.

از جمله روایاتی که رابطه «برادری» در جامعه ایمانی را با آخرت پیوند می دهد روایت امام رضا علیه السلام «مَنْ اسْتَفَادَ أَحَاً فِي اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ اسْتَفَادَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ» (۳۶) است که ایجاد ارتباط برادری و یافتن خانواده ایمانی اولاً بایسته است که با محوریت الله و خالق هستی شکل گیرد و ثانیاً چنین برادری خدامدارانه و مؤمنانه بازتاب آخرتی خواهد داشت و با عقد چنین پیوندی خانه ای در بهشت بدست می آید که به احتمال زیاد هر دو طرف این پیوند از آن بهره مند می شوند. تعبیر «خانه» به عنوان واژه ای کلیدی در این روایت ابعاد جامعه شناختی روایت را پررنگتر می کند؛ چراکه روایت تصریح به مکانیت خانواده ایمانی در جهان آخرت دارد و تلاش می کند تا تعبیری جامعه شناختی در بازتعریف خود داشته باشد.

۴. خانواده و مسئله تقوی: حضرت در ادامه این حدیث در پی ترسیم خانواده ایمانی و ایجاد پیوند بین ارتباطات اجتماعی با مفاهیم و مقوله های دینی و اصطلاح کلیدی «تقوی» است «وَأَحْبَبُ الْإِخْوَانِ عَلَى قَدَرِ التَّقْوَى» (۳۷) و اینکه میزان عمق پیوند «برادری» با اعضای خانواده و دیگر افراد جامعه باید با محوریت الله و میزان تقوای الهی برادران باشد. بر این اساس است که امیرالمؤمنین در روایت «مَنْ اتَّخَذَ أَحَاً مِنْ غَيْرِ اخْتِبَارِ الْجَاهِ الْأَضْطَرَارُ إِلَيَّ مُرَافَقَةَ الْأَشْرَارِ» (۳۸) به ترسیم شاگله خانواده ایمانی می پردازد و چنین پرهیز می دهد که برادر را بدون امتحان و آزمایش بر نگزینید چراکه چنین گزینش اجتماعی در نهایت و بر حسب اضطرار به مجالست و دوستی با اشرار منتهی می شود. توصیه به آزمایش اعضای خانواده ایمانی نشان از اهمیت چنین روابط اجتماعی است. و در روایت دیگری «عَلَيْكَ بِإِخْوَانِ الصَّدِّقِ فَأَكْثَرُ مِنْ أَكْسَابِهِمْ فَإِنَّهُمْ عُذَّةٌ عِنْدَ الرَّحَاءِ وَ جُنَّةٌ عِنْدَ الْبَلَاءِ» (۳۹) توصیه به ایجاد پیوند خانوادگی با برادران راستگو و محکم کردن این پیوند می کنند چراکه اینگونه برادران در آرامش و صلح یار و یاور انسان اند و در حین بلا، و سختیها سپر برای دوستان خود هستند. در این باره امیرالمؤمنین توصیه می کنند «خَالِطُوا النَّاسَ مُخَالَطَةً إِنْ مِنْهُمْ مَعَهَا بَكْوًا عَلَيْكُمْ وَإِنْ عَشْتُمْ حَتُوا إِلَيْكُمْ» (۴۰) که با افراد جامعه آنچنان معاشرت کنید که اگر بمیرید بر شما بگریند و اگر زنده باشید بر دیدارتان مشتاق باشند.

۱. مجموعه ورام بن ابی فراس این روایت را نه از امیرالمؤمنین علیه السلام

بلکه به نقل از برخی حکما می داند. (رک ۴۵)

Tehran: Entesharat Roshangaran va Motaleat Zanan, p.62.

6. Ezazi, Sh. (2006) Jameshanasi Khanevadeh: ba Takid bar Naghsh, Sakhtar wa Karkerd Khanevadeh dar Doran Moaaser. Tehran: Roshangaran wa Motaleat Khanevadeh. p.62.

7. Maghsoodi, M. (2007) Ensanshenasi Khanevadeh, Khishavandi. Tehran: Shirazeh. p. 129.

8. Abumekhnaf, L. (1996) Waghfat al-Taff. Qom: Jameah Madarresin. p.40; Ebn Babevayh, M. (1997) al-Amali. Tehran: Ketabchi. p 332,657; Ebn Babevayh, M. (1982) Maani al-Akhbar. Qom: Jameah Madarresin. p 52.

9. Quran 49:10

10. Sharifrazi, M. (1993) Nahj al-Balagheh. Qom: Hejrat. Khotbeh 56. p 91.

11. Ibn Manzoor, M. (1993) Lisan al-Arab. Beyroot: Dar al-Fekr. xii. p 22.

12. Eliade, Mircea (1986). Encyclopedia of Religion, Macmillian Publishing Company. x, p 862.

13. Quran 3:113

14. Jeffery, Arthur (2007). The Foreign Vocabulary of The Quran, Leyden: Brill. p 69.

15. Schacht, Joseph & Bosworth, C.E. (1974). The Legacy of Islam, Oxford University Press. p 405

16. Ibn Manzoor, M. (1993) Lisan al-Arab. Beyroot: Dar al-Fekr. Xii, p 24.

17. Ibid. xii, p 86.

18. Torayhi, F. (1996) Majma al-Bahrayin Tehran: Mortazavi. Vi, p 13.

19. Motavalli, A. (1986) al-Shariah al-Islamiyah Kamasdar Asasi ledastur, Eskandariyah: Mansha al-Maaref. P 171.

20. Amidzavjani, A. (1987) Fegh siyasi. Tehran: Amirkabir. Ii, p 302

21. Izutsu, T. (2002) Khoda wa Ensan dar Quran Trans. Ahmad Aram. Tehran: Sherkat sahami Enteshar. P 96.

۲. در جامعه ایمانی گزاره دینی «أَنَا وَ أُنْتِ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ» مفهوم پدر- فرزندی و اصطلاح جامعه شناختی «پدر» به عنوان سرشاخه روابط خانوادگی و خویشاوندی به روابط دینی و نبوتی تبدیل می شود؛ یعنی روابط قبیلگی، نسبی و خونی به حداقل ارزش خود می رسد و جایگزین آن روابط دینی و ایمانی برای شکلگیری «أُمَّة المؤمنین» می شود بر این اساس جامعه ایمانی برپایه مفاهیم دینی خانواده بازتعریف و تبیین می شود که می توان از آن کاربری معنوی از مفهوم خانواده یاد کرد.

۳. در ساختار اجتماعی ایمان محور و به تعبیر ما جامعه ایمانی نه تنها روابط خونی، قبیلگی و خویشاوندی کنار می رود و محور روابط ایمانی بر جامعه حاکم می شود، بلکه روابط اجتماعی معمول بین افراد جامعه (به تعبیر دینی روابط دنیایی- شهادتی افراد جامعه) در جامعه شناسی اسلامی (و آموزه های قرآنی- روایی) بازتابی معنوی- غیبی می یابد و ارزش گذاری مفیدبودن / مثبت بودن و یا مضربودن / منفی بودن این روابط بر مبنای بعد آخرتی آن تبیین می شود؛ به عبارت دیگر روابط خانوادگی (خانواده ایمان) در دو بعد دنیایی و آخرتی ترسیم می شود که رابطه آخرتی آن پیوستاری از رابطه دنیایی افراد جامعه است.

۴. در تبیین بعد معنوی- غیبی «خانواده» در جامعه ایمانی لازم به تذکر است که در جامعه جاهلی رابطه بین افراد دو طرفه (فرد با فرد) است. اما در یک جامعه ایمانی فرد علاوه بر رابطه خود با فرد مقابل ضلع سوم یعنی خداوند متعال را نیز در نظر می گیرد؛ ضلعی که با اتصال به الله و دیگر مفاهیم غیبی همچون؛ یوم القیامة، شفاعت، الآخرة و ... تبیین می شود. لذا آموزه های دینی بر آنند تا مفهوم جامعه شناختی خانواده را نه تنها با مفاهیم اجتماعی- سیاسی دینی بازسازی کنند بلکه با مقولاتی همچون شفاعت در قیامت، عِدَّةٌ لِلْآخِرَةِ، تبدیل شدن دوستی دنیایی به عداوت و دشمنی آخرتی، مانعیت از عذاب آخرت، خانه های بهشتی و ... هویتی آخرتی برای آن ترسیم می کنند.

References

1. Cohen, B. (1998), Daramadi be Jameshenasi, trans. Mohsen Thalathi. Tehran: Tootiya, p. 127.
2. Giddens. A. (1997), Jameshenasi, trans. Saboori, M. Tehran: Nashr Ney, p. 424.
3. Moore, M. (2002) Dibacheii bar Jameshenasi, trans. Thaghebfar, M. Tehran: Ghoghnoos, p. 32.
4. Segalen. M. (1991), Jameshenasi Tarikhi Khanevadeh, trans. Elyasi, H. Tehran: Nashr Markaz, p.17.
5. E'zazi, Sh. (2006), Jameshenasi Khanevadeh: ba Takid bar Naghsh, Sakhtar va Karkerd Khanevadeh dar Doran Moaser,

41. Kolayni, M. (1986) al-Kafi. Tehran: Dar al-Ketab al-Islamiyah. ii. p 375.
42. Toosi. M. (1993) al-Amali. Qom: Dar al-THeghafah. p 518.
43. Ibn Babevayh, M. (1983). al-Khesal. Qom: Jameah Modaressin. i p 169.
44. Ibn Abelhadid, A. (1983) Sharh Nahj al-Balaghah. Qom: Maktabah Ayatollah Marashi Najafi. xx p 272.
45. Warram ibn Abifares, M. (1989) Tanbih al-Khawater wa Nozhat al-Nawazer qom: Maktabah Faghih. ii, p 15
46. Kolayni, M. (1986) al-Kafi. Tehran: Dar al-Ketab al-Islamiyah. i, p 39
22. Ibn mofleh, M. (2003) al-Adab al-Shariyah wa al-manh al-Mariyah. Beyrot: Dar al-Kotob al-Elmiyah. i p 51.
23. Ibn Babevayh, M. (1999). Uyun al-Akhbar al-Reza (as) Tehran: Nashr Jahan. ii p 35.
24. Tamimiamedi, A. (1989) GHorar al-Hekam wa Dorar al-Kalem. Qom: Dar al-Ketab al-Islamiyah. P 216.
25. Tabresi, A. (2006) Meshkat al-Anwar fi Ghorar al-Akhbar. Najaf: al-Maktabah alHaydariyah. P 52; Warram ibn Abifares, M. (1989) Tanbih al-Khawater wa Nozhat al-Nawazer qom: Maktabah Faghih. P 12.
26. Kolayni, M. (1986) al-Kafi. Tehran: Dar al-Ketab al-Islamiyah. ii. p 125.
27. Quran 59:22
28. Ibn Babevayh, M. (1981). Masadegh al-Ekhwan. Kazemiyah: Maktabat al-Emam Saheb al-Zaman. p 46.
29. Quran 26:100,101
30. Tabresi, F. (1993) Majma al-Bayan Tehran: Naser Khosro. vii, p 305.
31. Tabresi, A. (2006) Meshkat al-Anwar fi Ghorar al-Akhbar. Najaf: al-Maktabah alHaydariyah. p 187.
32. Quran 43:67
33. Quran 25:28
34. resi, F. (1993) Majma al-Bayan Tehran: Naser Khosro. vii, p 263.
35. Zemakhshari, M. (1991) Rabia al-Abrar wa Nosos al-Akhyar. Beyrot: Moasesah al-Alami lelmatboaat. i p 335.
36. Ibn Babevayh, M. (1981). Masadegh al-Ekhwan. Kazemiyah: Maktabat al-Emam Saheb al-Zaman. p 151.
37. Mofid, M. (1992) al-Ekhtesas. Qom: al-Motamar al-Alami li al-Shaykh al-Mofid. p 226.
38. Laysi Waseti, A. (1997) Uyoon al-Hekam wa al-Mawaez. Qom: Dar al-Hadith. p 435.
39. Ibn Babevayh, M. (1997). al-Amali. Tehran: Ketabchi. p 304.
40. Sharifrazi, M. (1993) Nahj al-Balagheh. Qom: Hejrat. Khotbeh 56. p 470.